

مسائل فقهی مرتبط با کرسی های آزادفکری

چکیده: درباره حدود آزادی بیان در اسلام و محدودیت هایی که مطرح است، ... آزادی بیان در مسیر متخصص شدن صد در صد مطرح است.



مسائل فقهی مرتبط با کرسی های آزادفکری

درباره حدود آزادی بیان در اسلام و محدودیت هایی که مطرح است، ... آزادی بیان در مسیر متخصص شدن صد در صد مطرح است. ... فکر می کنم این جلسات حتما باید با حضور چند نفر از کارشناسان آن رشته و دانشجویانی که در این بحث ها مطلع هستند باشد.

شبکه اجتهاد؛ حجت الاسلام محمد علی حیدری، از اساتید دانشگاه هستند که از طرف یکی از اساتید برای مصاحبه پیرامون مسائل مرتبط به آزادی بیان در حوزه ی کرسی های آزادفکری به ما معرفی شدند. آن چه در ادامه می آید، نظرات این محقق و مدرس فقه رسانه در حوزه و دانشگاه است درباره ی مسائل فقهی مرتبط با کرسی های آزادفکری.

درباره حدود آزادی بیان در اسلام و محدودیت هایی که مطرح است، در ابواب مختلف فقهی این محدودیت ها مطرح شده از بحث غیبت گرفته تا تهمت تا تجسس هرکدام ابواب مختلف فقهی است. در رساله این ها مصداق های جدید دارد اما مقداری که مربوط می شود به کرسی های آزاد اندیشی بیشتر به عنوان فقهی کتب ضاله مربوط است. حرمت نشر و حفظ کتب ضاله ادله ی مختلفی دارد. در فقه ما عنوان کتاب ضاله یعنی کتاب گمراه کننده از ابتدا به عنوان عام مطرح شده یعنی این طور گفتند که کتاب گمراه کننده یا هر آنچه موجب گمراهی باشد. این مفهوم یک مفهوم عامی است که شامل بسیاری از مصادیق جدید می شود. البته در عنوان فقهی کتاب ضاله برای متخصصین و کسانی که در راستای متخصص شدن و عالم شدن گام بر می دارند تفاوتی ایجاد شده است. یعنی کسانی که در مسیر تخصص هستند آزادند برای استفاده از بسیاری از چیزهایی که برای عامه ی مردم این ها ضاله هستند و گمراه کننده. مثلا شما فرض کنید آرای ملحدین، استدلال های ملحدین این ها استدلال می کنند، ولو استدلال های باطل آشنایی با این استدلال ها و ورود به این بحث ها برای کسانی که در مسیر تخصص هستند یعنی می خواهند در این مباحث وارد بشوند، یاد بگیرند و خودشان اهل نظر بشوند، برای این ها صد در صد جایز است و حتی برای گروهی از باب واجب کفایی، واجب می شود. عمده ی مسائلی که در کتب فقهی درباره ی کتب ضاله بحث شده برای عامه ی مردم است نه برای متخصصین، لذا در بحث کرسی های آزاد اندیشی انسان مشاهده می کند که محدودیت ها به حداقل می رسد، یعنی آزادی بیان در مسیر متخصص شدن صد در صد مطرح است. البته این جا محدودیت های دیگری هست مثل غیبت مثل تهمت یا تمسخر، عنوان هایی که در فقه شیعه به دقت مورد نظر قرار گرفته این ها باید مراعات بشود. این که مثلا روی غیبت تکیه می کنم چون الان مصادیق جدید دارد مثلا البته این ارتباطی به کرسی آزاد اندیشی ندارد دوربین های مخفی به خاطر کارکرد هایی که دارد از مصادیق غیبت است. حالا باید آمد بررسی کرد که آیا این ها از مستثنیات بحث غیبت است یا نه؟ ولی این که این از مصادیق غیبت است جای هیچ شکی نیست. پس آزادی بیان در کرسی های آزاد اندیشی در اسلام هیچ محدودیت فقهی ای ندارد؛ هیچ محدودیت البته با دو شرط: شرط اول رعایت مسائل ثانویه مثل غیبت و ... که البته توضیح درباره ی مصادیق این ها به بحث کامل و مفصل دیگری نیاز دارد و شرط دوم این که بحث ها برای متخصصین و برای کسانی که در راستای متخصص شدن گام بر می دارند مطرح شود. البته باید یک بازتعریفی از بحث تخصص داشته باشیم. متاسفانه اشتباهی که در محیط های علمی ما، دانشگاه های ما هست، دانشجوی هر رشته ای خودش را در مسیر متخصص شدن در رشته های دیگر می داند. مثلا یکی از رفقای ما برای پایان نامه ی دکتری در رشته ی علوم سیاسی سوالی مطرح کرد، و گفت که نیاز به منبع دارد، من خدمت ایشان گفتم که این بحث در عرفان نظری هم مطرح شده ولی شما امکان استفاده از این منابع رو ندارید. ایشان گفت، بله شما حوزوی ها همیشه ما دانشجویها رو دست پایین می گیرید، بنده دانشجوی رشته ی علوم سیاسی هستم در مقطع دکتری!! من عرض کردم شما دانشجوی رشته ی علوم سیاسی هستید لزوما نمی تونید از متون اسلامی، مثلا متون فلسفی استفاده کنید؛ شما نسبت به متون فلسفی هیچ فرقی ندارید با انسان های مبتدی دیگر. مثلا مباحث کلام جدید برای بسیاری از دانشجویهای رشته های فنی، پزشکی، علوم اجتماعی و ... حتما مباحث ضاله و گمراه کننده است؛ به غیر از آن عده ای که علاوه بر رشته ی تخصصی خاص خودشان این مباحث رو هم به صورت جدی و تخصصی دنبال می کنند. این که عرض می کنیم عنوان کتب ضاله برای کسانی که در مسیر متخصص شدن هستند صدق نمی کند، منظور کسانی است که در همان رشته ی تحصیلی مشغول تحصیل هستند یا موضوع مطالعاتی شان همان رشته ی خاص است. لذا این محدودیت ها باید حتما باشد، تا هیچ وقت از این جهت آسیبی ایجاد نشود.

اما در مورد آیه ی شریفه ی ” فبشرعبادی الذین یستمعون القول فیتوبن احسنه ” متاسفانه تفسیر اشتباهی صورت می گیرد. این آیه ی شریفه خطاب به متخصصین است نه مردم عادی، نه کسانی که آگاهی لازم را ندارند. خود آیه ی شریفه می فرماید ” فیتبعون احسنه ” یعنی شخص بتواند بین نیکو و نیکوتر انتخاب کند. من همیشه این مثال را می زنم ، می گویم شما فرض کنید شخصی بیماری خاصی دارد، شورای پزشکی تشکیل می شود و پزشکان مختلف از رشته های تخصصی پزشکی شور و مشورت می کنند که در این مقطع ایشان باید عمل جراحی بشوند یا نه، فرض کنید به من روحانی هم بگویند شما هم بیاید حرف ها رو گوش کنید ، نظر نهایی رو شما بدهید ، بنده که اهل تخصص نیستم اصلا استدلال ها رو متوجه نمی شوم لذا من اصلا نمی توانم آن جا نظر نیکو و نیکوتر رو تشخیص بدهم. حالا دانشجویی که رشته ی مثلا پزشکی است، به ایشان بگویند ما بحث های عرفان نظری رو می آییم مطرح می کنیم، شما هم که دانشجو هستید، اهل فزلید ، شما بیاید بهترین رو انتخاب کنید! اصلا انتخاب بهترین برای این افراد صدق نمی کند. لذا این آیه شریفه فقط در حوزه ی تخصص معنی پیدا می کند علتش هم همین است که وقتی می شود از احسن پیروی کرد که انتخاب از روی آگاهی باشد. وقتی آگاهی نیست، پیروی از احسن هم معنا ندارد.

فکر می کنم این جلسات حتما باید با حضور چند نفر از کارشناسان آن رشته و دانشجویانی که در این بحث ها مطلع هستند باشد. اگر نقد جدی صورت بگیرد، یعنی اگر کسی در جلسه صحبت می کند در همان جلسه چند نفر از او سند بخواهند، وارد بحث جدی بشوند، در حضور تمام دانشجوها، این طور کسی این جرئت را پیدا نمی کند که بحث بدون سند ارائه بدهد یا با روش های ژورنالیستی بخواهد به هدفش برسد. من با تجربه ای که در حوزه ی علمیه دارم، فکر می کنم اگر محیط نقد جدی باشد، این مسائل شاید پیش نیاید، هرچند به مقدار کمی شاید اجتناب ناپذیر باشد، که آن را هم باید از هزینه های این بحث به حساب بیاوریم. سال های سال است که در حوزه ی علمیه کرسی های آزاد اندیشی یعنی همین دروس خارج فقه و اصول وجود دارد. در آن جا شخص واقعا چیزی که به نظرش می آید ارائه می دهد و محیط هم محیط نقد است یعنی این انتظار هست که ایشان در مقابل سوالی که طلبه ها از او می پرسند بتوانند سند ارائه بدهد و پاسخ گو باشد. در صورتی که کسی در فقه و اصول بحث پخته ای نداشته باشد، خود به خود، از گردونه این رقابت بیرون می رود و حذف می شود. این ظرافت ها حتماً باید اعمال و مراعات شود.

منبع: برگرفته از سایت کرسی های آزادفکری